

- ۲..... بحث تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال:
- ۲..... مقام اول: حکم اصل موضوع
- ۳..... مقام دوم: حکم تکسب
- ۳..... اقسام تکسب:
- ۳..... حکم الصورة الاولى: تشبه
- ۵..... بحث تشبیب:
- ۵..... تقسیمات تشبیب:
- ۵..... تقسیمات مشبب:
- ۶..... تقسیمات تشبیب:
- ۶..... تقسیمات به لحاظ مشبب:
- ۶..... تقسیمات از حیث روش تشبیب:
- ۶..... مقدمه سوم بحث: تشبیب در روایتی وارد نشده

## بحث تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال:

### مقام اول: حکم اصل موضوع

در اینجا دو طائفه از روایات را بحث کردیم و یک جمع بندی اجمالی دیروز داشتیم. عرض کردیم که ممکن است از عناوین دیگری هم استفاده شود، که یکی همان لباس شهرت است. این را در بحث آینده بحث می کنیم. ولی روایت معتبره ای در آنجا وجود دارد. و اگر ما یک نوع تحریمی در لباس شهرت قائل شدیم. آنوقت از باب لباس شهرت، نه از روایات خاص، به هر حال یکی از مصادیق بارز آن پوشش جنس مخالف در آنجایی که مختص باشد. این را موکول به آینده می کنیم. ممکن است ما به این نتیجه برسیم. اگر به این نتیجه رسیدیم، نه از حیث ادله خاصه در اینجا، بلکه از حیث عنوان کلی لباس شهرت می شود. ولی آن لباس شهرت حتی اگر آن را بپذیریم شامل این تشبههایی که به اصطلاح آن منصرف به جایی است که می خواهد ذیش را آن زیر قرار بدهد. و حالت متعارفش را آن قرار بدهد. اما در این تئاتر و فیلم و سینما و اینها که برای یک دوره ای کوتاه نقشی را بازی می کند. معلوم نیست که آنها را هم شامل بشود. حتی اگر آن را هم بگوییم، شمولش نسبت به این معلوم نیست. احتیاط واجبش که تقریباً اجتناب است، مشهور است. ولی آن ادله از آن استفاده نمی شود. لباس شهرت را هم اصلش را باید بحث بکنیم. اگر اصلش هم تمام بشود، اینکه شامل این حالتها بشود معلوم نیست. تا اینجا به لحاظ ادله خاصه ما چیزی در این حد نتوانستیم پیدا کنیم.

نکته دیگری هم که در اینجا وجود دارد، این است که اطلاق ادله در اینجا اگر کسی بخواهد بگوید سند معتبر است، که نیست. و به شکلی بگوید معتبر است و اطلاق را بپذیرد، حتماً نمی شود به این اطلاق معتقد بود. برای اینکه یکی از مصادیقش این است که مرد شغل زنانه داشته باشد. یا زن شغل مردانه داشته باشد. این را هیچ کس از فقها در آن اشکال نکرده است. در صورتی که مشتمل بر حرامی نباشد. ولی شغل مردانه است و زن بیاید متکفلش

بشود. و زنانه است و مرد بیاید متکفلش بشود. این تقریباً اتفاقی است که مانعی ندارد. و اگر این اتفاق بر این باشد که مانعی ندارد، آنوقت این روایات بر فرض تمامیتش هم اطلاقش کمی مخدوش است. از این جهت می گذریم. فقط آنچه که باقی ماند لباس شهرت است که بعد بحث می کنیم.

### مقام دوم: حکم تکسب

کسی بیاید این را شغل خودش قرار بدهد. و از طریق تشبه تکسب داشته باشد. گر چه حکم تکسب به طور کلی واضح است که حرام و باطل است، اما به دلیل اینکه در هر یک از این مشاغلی که متعلق به امور محرم بشود، عنایات و نکات و ظرائف خاصه ای گاهی متصور است و لذا همه جا باید این مقام ثانی را بیاورید بر خلاف آقایونی که خیلی جاها نیاورده اند و رد شده اند رفته اند. در همان بحثهای قبلی هم به این سادگی نبود و تکسب به تزئین و آراستگی و اینها چهار، پنج نوع می شد. و لذا این مقام ثانی مناسب است که همه جا یک تعرضی نسبت به او عمل بیاید تا احیاناً اگر یک نکاتی خاصه ای وجود دارد، مورد مذاقه قرار بگیرد.

### اقسام تکسب:

۱. یک وقتی تکسب به تشبه است.

۲. یک وقتی تکسب به تشبیه است.

یک وقتی شخص خودش را شبیه زن قرار می دهد، برای اینکه در فیلم بازی کند. یا به هر دلیل دیگری، این کار تشبه اوست که خود را اجیر قرار داده به کارگردان که من در این فیلم نقش زن بازی می کنم. یا در این تعزیه یا تئاتر نقش زن بازی می کنم. و فرض هم بگیریم که کسی به حرمت تشبه قائل شده از باب همین ادله خاصه یا از باب لباس شهرت که این را موکول به بعد کردیم. این یک صورت است که شخص تشبه خود را کسب قرار می دهد. یک وقتی هم هست که مثل تزئین کسی دیگری می آید او را شبیه زن می کند. یشبیه بالنساء أو یشبیها بالنساء مثل اینهایی که گریم می کنند و کارهای آرایش گری می کنند. این هم یک کسی است که وقتی کارگردان می خواهد فیلمی را درست کند، یک شخصی می آید شکل زن به این مرد می دهد، او بالعکس اجیر می شود به تشبیه زن به مرد، یا مرد به زن، گریم و چهره پرداز و امثال اینها کسانی هستند که کسی می آید فعالیت می کند، برای اینکه فردی مثل زن بشود، یا بالعکس این دو قسم است که حکمش هم کمی تفاوت دارد.

### حکم الصورة الاولى: تشبه

که نفس تشبه باشد، اگر کسی به تشبیهش پول می گیرد. فرقی نمی کند این صورت اولی دو حالت دارد یک وقتی است که اجیر شده و کل کارش تشبه است. یک صورت این است که اصل تشبه شغل می شود، یعنی پول می گیرد برای تشبه. یک وقتی است که اجیر شده برای کاری که جزئی از آن تشبه است. برای نقشی در فیلم بازی می

## شماره شصت:

کند که یک قسمتش تشبه در آن است. یک وقتی هم اجیر می شود برای کاری که تشبه مقدمه آن است. و معامله نیامده روی اصل عمل تشبه نیامده است، معامله روی چیز دیگری آمده است. و این شرط یا مقدمه اش است. این خودش سه حالت می شود. گاهی است که خود عمل تشبه از اول تا آخر کل معامله و اجاره و استیجار روی کل تشبه است. گاهی روی یک عملیات کلی است که تشبه هم جزئی از آن عمل است. صورت سوم این است که اجیر می شود برای کاری که تشبه مقدمه اش است، یا در آنجا شرط شده است. اینها با هم فرق می کند. این سه صورت در صورت اولی است. در صورت اول از این سه صورت، یعنی نوع اول که معامله آمده روی عملیات تشبه این معلوم است حرام و باطل است. در هر جایی که تشبه حرام باشد، معامله به آن هم حرام و باطل است. این روشن است اصلاً اجیر شده برای تشبه و فرض هم این است که این تشبه، تشبه حرامی است یا به عناوین اولی یا به عناوین ثانوی تشبه حرام است. با اختلاف مبانی.

اما قسم دومش این است که اجیر شده برای کاری که قسمتی از آن حرام است. یعنی برای عملیاتی اجیر شده که یک قسمتی مثلاً می گوید من فلان نقش را در اینجا بازی می کنم. که این نقش یک قسمتش مستلزم این است که حالت زن بگیرد. یا حالت مرد بگیرد. کل کار او حرام نیست، بخشی از آن حرام است.

قسم سوم این است که اجیر شده بر کاری و شرط شده در آن که تشبه هم بکند. این می شود شرط حرام و شرط فاسد، فاسد است، ولی مفسد عقد نیست. یا اگر مقدمه اش هم حرام باشد موجب بطلان خود عقد نمی شود، اگر از راه غیر این مقدمه بشود آن کار را انجام بدهد. و لذا قسم سوم هم بر می گردد به اینکه شرط فاسد است. که البته شرط فاسد مفسد عقد نیست.

این سه قسمی است که جایگاههایش باید معلوم باشد که به کجا بر می گردد در صورت اولی، در صورت ثانیه که تشبیه و شبیه سازی دیگری باشد. خود آن شخص که تشبه انجام می دهد آن حرام است. اگر تشبه حرام باشد. توجه داشته باشید در تشبه که می گوئیم حرام است، لازم نیست که خودش تشبه را روی خودش اجرا بکند. وقتی که پذیرای تشبه هم باشد، با فعل غیر آن هم برای او حرام است. و لذا خود او تشبهش حرام است، چون مباشرت در آن شرط نیست. اما اینکه دیگری بیاید او را به زن شبیه سازی بکند. تکسب این اشکال دارد یا ندارد، این متوقف بر این است که این تشبیه بگوئیم که چون اعانه بر اثم است دلیل خاصی ندارد. از باب اعانه بر اثم اگر حرام شد، تکسبش هم حرام است. اگر هم کسی اعانه بر اثم را حرام ندارد، اینجا مانعی ندارد. البته ما چون می گفتیم اعانه علی الاثم به طور مطلق فقط با دو شرط حرام است. از این جهت می گوئیم تشبیه هم، هم حرام است، هم باطل است.

### بحث تشبیب:

تشبیب مقدمتاً این است که از نظر اصطلاحی اینطور گفته شده که تشبیب وصف زن نامحرمی به صورت شعر است. یعنی سرودن شعری در توصیف نامحرم است. این یکی از تعاریفی است که در کلمات فقهی آمده و نقل هم شده از شرایع و جاهای دیگر که اینطور معنا کرده اند. این مفهومی است که گفته شده است. چون اقسام مختلف است تعاریف هم مختلف است. جا افتاده ترین تعریف همین است. از نظر لغوی اینطور است که قاعدتاً تشبیب باب تفعیل گاهی به معنای تعدیه است. گاهی به معنای نسبت وصفی است به شخص. مثلاً وقتی که می گوید تمجید کرد، یعنی مجد را به او نسبت می دهد. تعظیم کرد، عظمت را به او نسبت می دهد. تعمیر که می گوئیم یعنی خود عمارت و کار را انجام دارد. ولی وقتی تمجید و تکبیر که می گوئیم نه اینکه او را بزرگ کرد، بزرگی را به او نسبت داد. با او معامله بزرگ کرد. این دو معنایی است که در باب تفعیل آمده که یکی ایجاد ماده در موردی است. و یکی نسبت دادن آن ماده به شخصی است. ایجاد با نسبت دادن متفاوت است. دو معنایی دارد. آنوقت تشبیبی که اینجا می گویند از ماده شباب است، یعنی جوانی تشبیب که می گویند یعنی نسبت جوانی دادن به کسی و جوانی هم در اینجا کنایه شده از اوصاف جمال و زیبایی به این شکل تشبیب در اینجا اصطلاح شده است. آنوقت این دو نقطه را ضمیمه بکنید. معنای تشبیب این می شود، یعنی نسبت و وصف زیبایی را به زنی نسبت دادن، به مرد هم که پسری را طوری توصیف بکند آن را تعمیمش داده اند. تعریف اولیه فقها مرأه است. آخر هم می گویند حکم آن هم این است.

### تقسیمات تشبیب:

یکی از حیث مشبب است به اصطلاح، آنی که موصوف است.

### تقسیمات مشبب:

یعنی کسی که تشبیب به او تعلق می گیرد. تقسیمات از حیث متعلق تشبیب این یک محور است. یک تقسیم این است که این یک وقتی زن است و گاهی مرد است. می آید پسر و مردی را توصیف می کند که تهییج شهوانی ایجاد می کند. این در زن و مرد بودن یکی است. در زن باز تقسیماتی دارد آن زن مؤمنه باشد، یا کافره باشد. در تعریف فقها هم زن دارد و هم مؤمنه دارد. در این دو تقسیم پس یا توصیف می شود زن یا مرد. زن هم یا مسلمة است، یا کافره، مسلمة اش هم گاهی فاسقه و مشهوره به بدکاری است، یا نه زن محترمه ای است. این هم از این جهت تقسیمات اینکه شوهر داشته باشد یا نداشته باشد هم هست، زنی که ذات بعل باشد، یا نباشد باز در آن متصور است. اینها تقسیماتی است در باب زنی که متعلق این تشبیب است.

### تقسیمات تشبیب:

از حیث اینکه کسی که عنده یشبب. برای او مشبب له است. برای او و در محضر او تشبیب می شود. او هم گاهی زن است و گاهی مرد است. گاهی جزء محارم است و گاهی محارم نیست. و خواهر و همسرش را که به او محرم است توصیف می کند. یا اینکه نه نامحرم برای مشبب له است. زنی که توصیف می شود. و این شخصی که مشبب له است، گاهی نسبت به مشببه محرم است، گاهی غیر محرم است، بلوغ و تمیز در تقسیم مشبب هم می آید اینجا هم می آید.

### تقسیمات به لحاظ مشبب:

شخصی که تشبیب می کند. شخصی که تشبیب می کند یا زن است، یا مرد است و نسبتش هم با مشبب یک وقتی محارمش است و یک وقتی غیر محارمش است. خود این مشبب هم بالغ است، یا غیر بالغ است. اینها تقسیماتی است که راجع به مشبب می آید.

### تقسیمات از حیث روش تشبیب:

ادات و ابزارها و تکنولوژی و روش تشبیب است. که این تشبیب گاهی با شعر است، گاهی با نثر است و گاهی ممکن است با ابزارهای مثلاً موسیقی باشد، با فیلم باشد. که اینجا هم اقسامی دارد. از ابزارها هم از این حیث تفاوت دارد.

### مقدمه سوم بحث: تشبیب در روایتی وارد نشده

این است که این واژه و مفهوم در حدیث و روایتی وارد نشده است. و به همین دلیل هست که این تعریف تشبیب، تعریفی است که اهمیتی اینجا ندارد. چون اگر این واژه و مفهوم در روایتی وارد شده بود، برای ما مهم بود که دامنه و حدود و صدور این مفهوم را از حیث تقسیمات چهار گانه که چهل، پنجاه نوع می شود معلوم بکنیم. و ببینیم آیا اینکه فقها فرموده اند که مرأه و مسلمه و محترمه آن هم به شعر، آیا این قیودی که از حیث مشبب و ادات تشبیب و اینها در کلمات فقها آمده باید به آن پایبند باشیم یا نه؟

باید اینجا عرض بکنیم نه مهم نیست. تعریف تشبیب همان بیان اوصاف شخص دیگر است. این قیود هم قیودی نیست که در مفهوم قرار گرفته باشد. و این مفهوم هم در روایتی چیزی نیامده است. تعریف همان تعریف عام درست است. واژه هم در روایات نیامده است. و اگر ما می خواهیم برای تشبیب محرم قیودی قرار بدهیم، اول باید بحث بکنیم طبق عناوین کلی بگوییم کجاها حرام است؟ آخر بیایم بگوییم تشبیب محرم این شد. تعریف تشبیب یک تعریف قبلی نیست که در روایات آمده باشد و برویم تعریفش را دقیق به دست بیاوریم. این تعریف پسینی است. تعریف متخذ از فتاوا است. اول شخص می رود فتوای خودش را به استناد ادله مشخص می کند، بعد می

گوید من گفتم تشبیب با این قیود حرام است. آن قیود حکم است که در تعریف أخذ می شود. نه قیود مفهوم، عرض ما در مقدمه سوم این است که تشبیب به لحاظ لغوی یک مفهوم عام دارد، یعنی بیان اوصاف الغیر، البته اوصاف جمال و اینها را بیان کردن است. کی برای کی چگونه در چه زمان و مکان و اوضاع و احوال هیچ قیدی در این نیست. این مفهوم به لحاظ موضوعی مفهوم عام است. و در روایتی هم اگر آمده بود علی الاصول باید مفهومی عام را بگیریم. این قیود، قیود مفهومی نیست که در اینجا آمده است. این قیودی که در مفهوم می بینید فقها أخذ کرده اند، قیود حکم است و قیود بعد الفتوا است که در مفهوم أخذ کرده اند. نه قیود خود مفهوم به لحاظ لغوی، خیلی نظیر این داریم. وقتی که می گوید اصطلاحاتی که در فقه آمده، خیلی جاها قیودی که برایش تعریف می کند، قیودی است که بعد از اینکه فتاوا مشخص شده می گوید اینجوری است. و الا معنای لغوی، معنای عام است. این تشبیب همین است. مقدمه سوم این شد که این تشبیب در روایتی وارد نشده است و معنای لغوی آن هم بیش از همان بیان و وصف الجمال نیست. و مرأه و غیر مرأه هم ندارد. قیودی هم که فقها أخذ کرده اند قیود حکم است که موضوع أخذ شده است. و لذا هر کسی می تواند بعد از بحث خودش که می گوید اینجا حرام است و آنجا حرام نیست. و اینجا حلال است و آنجا نیست. جمع بندی از محرماش داشته باشد و بگوید که تشبیب محرم این است. نکته مهم عرض ما این بود که موضوع چون در دلیل نیست. معنای عامش در عناوین ثانویه است.